

مدیریت ورزشی - زمستان ۱۳۹۷
دوره ۱۰، شماره ۴، ص: ۷۳۸ - ۷۲۳
تاریخ دریافت: ۹۵ / ۱۱ / ۲۰
تاریخ پذیرش: ۹۶ / ۰۴ / ۲۰

شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ ورزش همگانی در ایران

ایمان نسترن بروجنی^۱ - محمدحسین قربانی^{۲*} - هاشم کوزه چیان^۳ - محمد احسانی^۴
۱. دانشجوی دکتری مدیریت اوقات فراغت و ورزش‌های تفریحی، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم انسانی،
دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. ۲. استادیار، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران، ایران
۳ و ۴. استاد، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

هدف از تحقیق حاضر، شناسایی عوامل مؤثر در توسعه فرهنگ ورزش همگانی بود. این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی است که به شیوه توصیفی تحلیلی و به شکل میدانی به مرحله اجرا درآمده است. جامعه پژوهش حاضر ۸۰۰ نفر از کارشناسان و مدیران و دست‌اندرکاران ورزش همگانی کشور بودند که از این میان و با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه مورگان ۲۶۰ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. ضریب پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ و به میزان ۰/۹۱۲ محاسبه شد. برای تهیه پرسشنامه از طریق مصاحبه با استادان متخصص تعداد ۴۸ سؤال در ۸ حوزه شناسایی شد که به وسیله تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی گویه‌های مناسب تحقیق در نهایت در ۳۵ گویه و ۷ حوزه طبقه‌بندی شد. رتبه‌بندی عوامل به وسیله آزمون رتبه‌بندی فریدمن انجام گرفت. نتایج نشان داد عامل اصول و ساختار مهم‌ترین عامل در توسعه فرهنگ ورزش همگانی بوده است. آموزش ورزش همگانی در رتبه دوم قرار گرفت. این مطلب بر ضرورت آموزش در راستای توسعه فرهنگ ورزش همگانی در کشور می‌افزاید. توسعه فرهنگ ورزش همگانی فرایندی زمان‌بر خواهد بود که عزم جدی مسئولان را می‌طلبد.

واژه‌های کلیدی

ایران، فرهنگ ورزش، ورزش تفریحی، ورزش همگانی، ورزش.

مقدمه

توسعه ورزش همگانی امری است که در جامعه امروزی بسیار مورد توجه است. دلیل اهمیت بیش از حد آن نیز شرایطی است که در جوامع کنونی پیش روی شهروندان قرار گرفته است. مدرنیته و تأثیرات بیش از حد فناوری بر زندگی افراد، سبب شده است که شهروندان با مشکلات جسمانی و روانی ناشی از فقر حرکتی دست و پنجه نرم کنند. این امر سبب شده است که نیاز به فعالیت‌های ورزش همگانی بیش از پیش احساس شود، و سازمان‌های مسئول در این حوزه نیز، بیش از پیش در برنامه‌ریزی فعالیت‌های ورزش همگانی فعالیت می‌کنند. در این زمینه پیشرفت‌های خوبی در چند سال اخیر در کشورمان حاصل شده است، اما با وجود همه این فعالیت‌ها، هنوز ورزش همگانی به‌عنوان یکی از اقلام مصرفی خانواده‌های ایرانی مورد توجه قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد که در کلان‌شهرها وضعیت بهتری وجود دارد و تبلیغات و برنامه‌های منظم در حوزه ورزش همگانی تأثیرات مثبتی داشته است. اما در شهرهای کوچک و نواحی محروم، کمبودهای فراوانی در این حوزه وجود دارد و نیاز به تلاش چشمگیر و همه‌جانبه برای توسعه ورزش همگانی به‌عنوان یک فرهنگ و یکی از ملزومات زندگی روزمره شهروندان احساس می‌شود (۱).

در ایران سازمان‌های زیادی متولی توسعه ورزش همگانی‌اند و این نام را یدک می‌کشند و خود را در این زمینه مسئول می‌دانند؛ سازمان‌هایی همچون شهرداری‌ها، معاونت ورزش همگانی وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون ورزش‌های همگانی، وزارت علوم، آموزش و پرورش و ... اما توسعه ورزش همگانی در سال‌های اخیر آنچنان چشمگیر نبوده و صنعتی شدن جامعه ما نیز بر اهمیت این مقوله افزوده است. به نظر می‌رسد توسعه ورزش همگانی تلاش فراوان و بسیار مسئولانه می‌طلبد و براساس تحقیقات علمی باید راهکارهای عملیاتی آن شناسایی و بر آنها تأکید بیشتری شود (۲).

تحقیقات متعددی در کشورمان به انجام رسیده است، که هر کدام به شناسایی بخشی از موانع و مشکلات توسعه ورزش همگانی پرداخته‌اند. در این میان بیشتر تحقیقات انجام گرفته به فرهنگ، به‌عنوان یکی از پارامترهای مؤثر در افزایش مشارکت در فعالیت‌های ورزش همگانی نگاه کرده‌اند (۳). در برخی تحقیقات فرهنگ به‌عنوان یک فرصت شناخته شده است، البته در بیشتر تحقیقات از فرهنگ مشارکت در ورزش همگانی به‌عنوان یک تهدید برای افزایش مشارکت در ورزش همگانی یاد شده است. مسئله شایان توجه آن است که در هیچ‌یک از تحقیقات انجام گرفته رویکرد فرهنگی به ورزش همگانی به‌صورت اجرایی بررسی نشده است. شعارزدگی در حوزه ورزش همگانی، امری است که از دیرباز به آن مبتلا بوده‌ایم و اکنون نیز گریبان جامعه امروزی را گرفته است. همگان معتقدند که مشارکت در ورزش همگانی نیازمند

ارتقای فرهنگ است (۴). اما اقدامات اجرایی در این زمینه به رویکرد اجرایی و علمی نیاز دارد که محققان در این پژوهش در پی تدوین مدل علمی و اجرایی در زمینه توسعه ورزش همگانی با رویکرد فرهنگی اند (۵). به طور کلی مفهوم فرهنگ عبارت است از کیفیت زندگی گروهی از افراد بشر که از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می کند. به عقیده پژوهشگران فرهنگ را می توان به عنوان پدیده ای که در تمام مدت اطراف ما را احاطه کرده است، تجزیه و تحلیل کرد. به نظر وی هنگامی که فردی، فرهنگی را به سازمان یا به داخل گروهی از سازمان به ارمغان می آورد، می تواند به وضوح چگونگی به وجود آمدن، جای گرفتن و توسعه آن را ببیند و سرانجام آن را زیر نفوذ خود درآورد، مدیریت کند و سپس تغییر دهد. شش ویژگی فرهنگ را در بسیاری از تعاریف فرهنگ به شرح زیر عنوان کرده اند:

۱. قابل یادگیری است؛

۲. اشتراکی است؛

۳. از نسلی به نسل دیگر قابل انتقال است؛

۴. نمادی است (استفاده از یک چیز برای نشان دادن چیز دیگری)؛

۵. دارای الگوست (تغییر در یک بخش به تغییرات در بخش دیگر منجر می شود)؛

۶. قابل تعدیل است (۶).

با توجه به مفهوم فرهنگ و ویژگی های آن می توان نتیجه گرفت که رفتار انسان اصولاً بر باورهای فرهنگی متکی است. باورهایی را فرهنگی می گوئیم که به صورت نسبی در جامعه پذیرش زیادی دارند. منشأ این باورها متفاوت است؛ گاهی ریشه در شرایط تاریخی یا جغرافیایی یا مذهبی یا حوادث ویژه و یا در علم دارد. ولی آنچه مسلم است این است که بخش اعظمی از باورهای فرهنگی در قالب اصول اعتقادی ظاهر می شوند یا همچنین می تواند از تعاملات سازمانی ناشی شود (۷).

فرهنگ از دو لایه اصلی تشکیل شده است. نخستین لایه (ارزش ها و باورها) لایه ای است که نمایشگر نمادهای ملموس مانند طرز پوشش، رفتار، مراسم، تشریفات، اسطوره ها و افسانه هاست. لایه دیگر فرهنگ، لایه پایه ای یا شالوده اساسی فرهنگ است که به ارزش های زیربنایی، مفروضات، باورها و فرایندهای فکری افراد و گروه ها اشاره دارد. این لایه در واقع فرهنگ راستین سازمان را تشکیل می دهد. عوامل تشکیل دهنده فرهنگ عبارتند از: هنجارها، سنت ها و تشریفات و مفروضات (۸).

ارزش‌های فرهنگ معمولاً بازتابی از ارزش‌های جامعه و محیطی است که سازمان در آن قرار دارد. در واقع ایده‌ها و تمایلات و نظریاتی هستند که اغلب به‌عنوان راه‌حل‌های معتبر برای مشکلات پذیرفته شده‌اند.

مردم باورها یا اعتقادات گوناگونی دارند، مثل اعتقاد به خدا، اعتقاد به کارایی گروه‌های کاری و... . بعضی باورها مربوط به نکات جزئی زندگی روزمره و بعضی از آنها در حوزه مسائلی است که از نظر فرد، سازمان یا جامعه اهمیت زیادی دارد. به‌طور کلی باورهای شکل‌دهنده تصمیمات بلندمدت و کلان سازمان را باورهای راهبردی (استراتژیک) و باورهای مشترک اجراکنندگان تصمیمات را باورهای کاربردی (عملیاتی) می‌نامند. همسو کردن این دو دسته باور به هم‌افزایی فرهنگی و توفیق در تحقق اهداف خود کمک می‌کند. در غیر این صورت انرژی‌ها صرف خنثی کردن یکدیگر و سبب اختلال و مانع حرکت به‌سوی هدف‌های خود خواهد شد. باورهای راهنما، جهت حرکت باورهای روزمره را تعیین می‌کنند. در واقع باورهای راهنما، تعیین‌کننده روشی است که هر کار باید براساس آن انجام گیرد و باورهای روزمره روشی است که کارها عملاً به‌طور روزانه انجام می‌شوند. باورهای راهنما مانند قوانین بنیادی به‌ندرت تغییر می‌کنند، درحالی‌که باورهای روزمره، به رفتار روزمره مربوط می‌شوند و متناسب با شرایط تغییر می‌کنند (۹). عامل دیگری که در ایجاد و تکوین فرهنگ مهم است، فرایند اجتماعی است. از طریق این فرایند افراد جای خود را در گروه باز می‌کنند. یاد می‌گیرند که چگونه جذب گروه شوند، با هنجارهای گروه آشنا شوند و رفتار مناسب را فرا گیرند.

سنت‌ها الگوهایی هستند که در گروه شکل گرفته و به‌صورت عادت پایدار شده‌اند. تأکید بر الگوها، رفتارهای ویژه در مراسم عمومی، تشویق به گردهمایی‌ها، پیروی از شعارها و نمادهای ارتباط (هر شیء، عمل، رویدادی که برای انتقال معنی به‌کار می‌رود)، همگی بیان‌کننده انتظارهای گروه از افراد و همین‌طور انتظار متقابل آنها از گروه است.

نمونه‌ای از تاریخ گذشته است که موفقیت‌ها و کارهای برجسته گذشته را به‌صورت الگو بازگو می‌کند و هدف آن انگیزش و پیروی آنها از آن الگوهاست، به‌طوری‌که در اعضا دلبستگی ایجاد کند و سبب شود آنان از عضویت در گروه احساس غرور کنند و به خود ببالند (۱۰).

ادگار شاین نیز برای فرهنگ سازمانی سه سطح را عنوان می‌کند:

۱. مصنوعات و ابداعات: این سطح شامل تمام پدیده‌هایی است که یک فرد می‌تواند ببیند، بشنود و

احساس کند، مانند زبان، فناوری، مراسم، داستان‌ها و جشن‌ها، این سطح قابل مشاهده است؛

۲. ارزش‌های حمایتی: شامل ارزش‌هایی است در مورد اینکه، کارها چگونه باید انجام گیرند یا در وضعیت جدید فرد چه عکس‌العملی باید از خود نشان دهد و رفتار کند. این سطح کمتر قابل مشاهده است؛

۳. مفروضات اساسی: که شامل عقایدی است در مورد اینکه یک سازمان چگونه باید عمل کند. برای مثال تصمیم‌گیری در یک سازمان توسط افرادی که دارای اندیشه‌ی عالی هستند، صورت بگیرد یا ب توسط افرادی که در رتبه‌ی بالا قرار دارند. این سطح قابل مشاهده نیست (۱۱).

در فرایند توسعه جوامع، داشتن نیروی انسانی سالم و کارآمد از سرمایه‌های هر جامعه و از شاخص‌های مهم توسعه فرهنگ و انسانی آن جامعه به حساب می‌آید. به همین دلیل کشورهای توسعه‌یافته به سوی ورزش همگانی و تربیت بدنی گام‌های محکمی برداشته‌اند تا هم شاخص‌های بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را توسعه بخشند و هم اینکه با داشتن نیروی کار سالم و کارآمد برای تحقق دیگر اهداف توسعه خود گام بردارند. ورزش پدیده‌ای اجتماعی- فرهنگی است که با نهادها و ساختارهای اجتماعی ارتباط دارد. از سوی دیگر می‌توان از طریق ورزش درباره‌ی سطح پیشرفت اجتماعی و فرهنگی یک جامعه پیش‌دوری کرد و میزان ترقی آن را مورد قضاوت قرار داد (۱۲). فرهنگ حاکم بر مردم، متأثر از عوامل مختلف اجتماعی است. این عوامل، باورها، نگرش‌ها و رفتارهای فردی و گروهی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تجربه نشان داده است که تغییر در فرهنگ مردم یک جامعه پدیده‌ای بسیار زمان‌بر است و در صورت تحقق، آثار پایداری را به همراه خواهد داشت. فرهنگ‌ها به‌خصوص در جوامع سنتی به‌سختی تغییرپذیرند، لیکن در صورت تغییر نیز مدت‌های مدیدی پابرجا خواهند بود.

نقش فرهنگ در رفتار انسان، از مهم‌ترین مفاهیمی است که در علوم رفتاری وجود دارد؛ هرچند تاکنون به‌طور کامل ارزیابی نشده است. فرهنگ آنچه را که انسان یاد می‌گیرد و نیز نحوه‌ی رفتار او را تعیین می‌کند. در مورد اینکه فرهنگ چگونه به‌وجود می‌آید، باید گفت که فرهنگ پدیده‌ای است که از خواسته‌های طبیعی و نیروهای اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. جغرافیای منطقه، تاریخ و رویدادهای قوم، زبان و ادبیات رایج در میان مردم، دین و مذهب، اقتصاد و شیوه‌ی معیشت مردم در پیدایش فرهنگ اثر می‌گذارند و در ترکیبی سازگار با یکدیگر، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای چیره را پدید می‌آورند که بر رفتار انسانی تأثیر می‌گذارد و ارتباط میان مردم را آسان می‌سازد (۱۳). براساس نتایج تحقیقات بالا بودن سطح فرهنگ می‌تواند به‌عنوان عاملی مؤثر بر بسیاری از کمبودها و ضعف‌های زیرساخت‌های ورزش همگانی فائق آید و مردم را به حضور در برنامه‌های ورزش همگانی تشویق کند (۱۴). ضرورت

برنامه‌ریزی‌های راهبردی در ورزش همگانی سبب شده است که برنامه‌ریزی راهبردی ورزش همگانی در قالب تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها، بررسی شود. پایین بودن سطح فرهنگ جامعه در رابطه با اهمیت ورزش همگانی و ناآگاهی بسیاری از شهروندان از فواید بی‌شمار ورزش همگانی، آن را به یکی از تهدیدهای مهم در زمینه توسعه ورزش همگانی در کشور بدل ساخته است. در این زمینه افزایش دانش و آگاهی مردم، و تغییر در نگرش و رفتار آنها در قبال ورزش همگانی نیازمند برنامه‌ریزی و اقدامات مدون است (۱۵).

ورزش همگانی در بخش‌ها و لایه‌های گوناگون جامعه نفوذ کرده و در حال توسعه است. از مهم‌ترین بخش‌ها در حوزه توسعه ورزش همگانی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی‌اند. حضور قشر جوان و آینده‌ساز کشور در دانشگاه‌ها و اهمیت نشاط و سلامت این قشر به‌عنوان نیروهای فعال و بهره‌ور در جامعه، بر اهمیت نقش دانشگاه‌ها در حوزه ورزش همگانی می‌افزاید. علاوه بر آنکه دانشگاه‌ها به‌عنوان پایگاه‌های آموزشی، فرهنگی می‌توانند وظیفه خطیر فرهنگ‌سازی در حوزه ورزش همگانی را به بهترین شکل انجام دهند. دانشگاه‌ها با آموزش‌های لازم در حوزه ورزش و افزایش دانش دانشجویان، می‌توانند به توسعه مشارکت در ورزش همگانی کمک شایانی کنند. همچنین دانشگاه‌ها بستر خوبی برای فرهنگ‌سازی هستند، به‌سبب آنکه دانشجویان در شرایط سنی‌اند که دانش و تجربیات آنها افزایش چشمگیری داشته است و مستعد ایجاد تغییرات سازنده‌اند.

ناآگاهی مردم و کمبود تبلیغات در زمینه آگاه‌سازی مردم با ورزش همگانی و فواید آن، از جمله چالش‌های مهم پیش روی توسعه ورزش همگانی در ایران است. پایین بودن سطح فرهنگ در بین مردم کشور، از نتایج ناآگاهی مردم است (۱۶). اما توجه به این نکته ضروری است که با چاپ کتاب، بروشور، مجله و... نمی‌توان ورزش همگانی را گسترش داد. فرهنگ‌سازی تنها با کتاب و آموزش حاصل نمی‌شود. فعالیت‌های میدانی نقش مهمی دارند و باید به کمک آموزش بیابند تا بتوانند مؤثر واقع شوند.

رشد و توسعه ورزش همگانی به تلاش همه‌جانبه و سازمان‌یافته نیاز دارد. سازمان‌ها با توجه به حضور منابع انسانی فراوان، در این میان نقش مهمی را بر عهده دارند. سازمان‌ها به‌عنوان پایگاه‌های رشد و توسعه منابع انسانی که همان شهروندان یک شهر و مردمان یک کشورند، می‌توانند نقش بسزایی در توسعه و نهادینه‌سازی فرهنگ ورزش همگانی داشته باشند. به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین اصل در درونی کردن ورزش همگانی در بین افراد یک جامعه، آموزش و آگاه‌سازی افراد با فواید ورزش همگانی است. در این زمینه آموزش در کنار دیگر ارکان نقش بسزایی در نهادینه ساختن ورزش همگانی در بین افراد سازمان و جامعه

خواهد داشت (۱۷). ضرورت ورزش همگانی و توسعه آن در کشور آن چنان مورد توجه است که در تحقیقات بسیاری به بررسی راهبردها و استراتژی‌های توسعه ورزش همگانی در کشور پرداخته شده است. توسعه فرهنگ ورزش همگانی به‌عنوان یکی از راهبردهای مؤثر در تدوین استراتژی ورزش همگانی مورد توجه قرار دارد. فرهنگ‌سازی در بین کودکان و نوجوانان به‌عنوان گروه‌های سنی حساس و همچنین ترویج و تقویت نشاط و امید از طریق ورزش همگانی، از جمله ارکان اصلی راهبرد توسعه ورزش همگانی در کشور است. در تحلیل (SWOT) از ورزش همگانی ایران و تدوین استراتژی‌های توسعه ورزش همگانی در ایران، از نگرش جامعه به ورزش همگانی به‌عنوان عامل سازنده روانی، جسمانی، تربیتی، فرهنگی و اخلاقی به‌عنوان یک فرصت مهم یاد شده است که در کنار دیدگاه‌های جدید سازمان‌ها در توسعه ورزش همگانی و استقبال مردم از برنامه‌های ورزش همگانی، زمینه توسعه هرچه بیشتر ورزش همگانی را در کشور فراهم خواهد کرد. البته آنچه نیاز به توجه بیشتر دارد، آن است که نقش فرهنگ و دیدگاه مردم در کلان‌شهرها به‌صورت یک فرصت و در بسیاری از فرهنگ‌های سنتی و مناطق روستایی به‌صورت یک تهدید به‌خصوص برای اقشار زنان جلوه خواهد کرد (۱۸).

ایجاد تصویر مثبت از فعالیت‌های ورزش همگانی در ذهن و باور مردم یک جامعه سبب خواهد شد که در درازمدت نگرش افراد به ورزش همگانی تغییر کند و این تغییر نگرش در رفتار آنها متجلی شود. بخش عمده‌ای از این تلاش‌ها می‌تواند به عهده رسانه‌ها باشد. میزان اثرگذاری و گستردگی اطلاع‌رسانی رسانه‌ها، می‌تواند محملی مناسب برای توسعه فرهنگ ورزش همگانی در ایران باشد. در طراحی مدل ورزش همگانی که در قالب رساله دکتری انجام گرفته، توسعه فرهنگ ورزش همگانی به‌عنوان یکی از عوامل اثرگذار و پایدار بر روی توسعه ورزش همگانی یاد شده است. توسعه فرهنگی ورزش همگانی به معنای نهادینه شدن و آشنایی هرچه بیشتر شهروندان و احساس نیاز خودجوش به فواید و تأثیرات سودمند ورزش همگانی در سطح جامعه است (۱۹).

نکته‌ای که از دید بسیاری از تحقیقات انجام‌گرفته پنهان مانده، توجه به این مطلب است که فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای مردم در زمینه ضرورت و اهمیت ورزش همگانی است که از طرق گوناگون ارتقا در آن حاصل خواهد شد. نکته دیگر آن است که فرهنگ با عوامل بسیاری درهم‌تنیده شده است که اقتصاد، آموزش، مذهب، سنت و همه این موارد را شامل می‌شود. در نگاه اول شاید تغییر در فرهنگ مردم یک جامعه کاری انجام‌ناپذیر باشد، اما با برنامه‌های مدون و منظم، می‌توان در بازه زمانی میان‌مدت و بلندمدت به نتایج مطلوبی دست یافت. با توجه به نیروی جوان کشورمان و اهمیت سلامت عمومی و نشاط

و شادابی در جامعه به‌عنوان یکی از راه‌های پیشبرد و توسعه کشور، ضرورت توسعه ورزش همگانی با رویکرد فرهنگی در بین اقشار مختلف جامعه، در کنار رشد و توسعه دیگر بخش‌ها همچون اماکن و زیرساخت‌ها، برنامه‌ریزی، بودجه و اجرای صحیح برنامه‌ها به‌شدت احساس می‌شود. با توجه به اهمیت ورزش همگانی برای اقشار مختلف جامعه و به‌خصوص قشر آسیب‌پذیر جامعه ما، مانند زنان، دختران و سالمندان، و درهم‌تنیدگی عوامل فرهنگی، سیاسی، مذهبی و باورهای دینی در مقوله ورزش همگانی و حضور در فعالیت‌هایی از این دست، بر آنیم تا بتوانیم با شناسایی شاخص‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی گامی در جهت توسعه ورزش همگانی در کشورمان برداریم.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی است که به شیوه توصیفی تحلیلی و به شکل میدانی به مرحله اجرا درآمده است. جامعه پژوهش حاضر شامل کلیه مدیران و کارشناسان فدراسیون ورزش‌های همگانی و مدیران و کارشناسان سازمان ورزش شهرداری تهران، مدیران و کارشناسان معاونت ورزش همگانی وزارت ورزش و جوانان، مدیران و کارشناسان اداره کل تربیت بدنی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، مدیران و کارشناسان معاونت تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش به تعداد ۸۰۰ نفر بودند که از این میان و با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه مورگان ۲۶۰ نفر به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. پس از آن ۲۹۰ پرسشنامه بین مدیران و کارشناسان توزیع شد و از این میان ۲۶۰ پرسشنامه برگشت داده شد که پس از بررسی پرسشنامه‌ها ۲۴۸ عدد از آنها که به‌صورت کامل به سؤالات پاسخ داده بودند، برای تجزیه و تحلیل آماری انتخاب شدند. برای تهیه پرسشنامه در مرحله اول از روش مصاحبه عمیق با ۱۵ نفر از استادان و متخصصان حوزه فرهنگ و ورزش همگانی استفاده شد و پس از بررسی و کدگذاری کدهای تعیین‌شده در مصاحبه‌ها از روش تحلیل عاملی اکتشافی برای تعیین گویه‌های نهایی پرسشنامه استفاده شد. در بررسی‌های مصاحبه‌ها تعداد ۱۶۳ کد اولیه و ۹۲ کد باز متمایز به‌دست آمد. همچنین این گویه‌ها در ۷ کد محوری تحلیل شده‌اند. از مجموع ۴۸ گویه اولیه در تحلیل عاملی ۳۵ گویه دارای بار عاملی مناسب بوده و در تحقیق وارد شده‌اند. برای محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ابتدا واریانس نمره‌های هر زیرمجموعه سؤال‌های پرسشنامه و واریانس کل محاسبه شد، سپس مقدار ضریب آلفا به میزان ۰/۹۱۲ محاسبه شد. این پرسشنامه در ۷ بعد شامل ابعاد اصول و ساختار دارای ۵ سؤال (سؤالات ۱ تا ۵)، بعد آموزش دارای ۵ سؤال (سؤالات ۶ تا ۱۰)، ارزش‌های حمایتی دارای ۵ سؤال (سؤالات ۱۱ تا ۱۵)، امکانات

و زیرساخت‌ها دارای ۵ سؤال (سؤالات ۱۶ تا ۲۰)، اقتصاد خانواده دارای ۵ سؤال (سؤالات ۲۱ تا ۲۵)، عقاید و ارزش‌های دینی دارای ۵ سؤال (سؤالات ۲۶ تا ۳۰) و سیاست‌های کلی نظام ورزش کشور دارای ۵ سؤال (سؤالات ۳۱ تا ۳۵) طراحی شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله آزمون تجزیه و تحلیل واریانس و آزمون آنووا و آزمون تعقیبی (LSD) و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS23 به انجام رسیده است.

نتایج و یافته‌های تحقیق

از نظر فراوانی جنسیتی در این تحقیق ۹۴ نفر خانم و ۱۵۴ نفر آقا بودند که خانم‌ها ۳۷/۹ درصد نمونه و آقایان ۶۲/۱ درصد نمونه مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند.

از نظر میزان تحصیلات، بیشترین تعداد افراد دارای مدرک کارشناسی و به تعداد ۱۷۳ نفر (۶۹/۷ درصد) بودند و بعد از آن، مدرک کارشناسی ارشد یا دکتری به تعداد ۷۵ نفر (۳۰/۳ درصد) بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند.

از نظر سنی بیشترین تعداد افراد نمونه در رده سنی ۳۶ تا ۵۵ سال و به تعداد ۱۶۴ نفر بودند (۶۶/۱ درصد). همچنین بعد از آن رده سنی ۲۶ تا ۳۵ سال (۳۰/۴ درصد) نمونه را تشکیل می‌دهند. کمترین رده سنی نیز کمتر از ۲۵ سال است.

از نظر فراوانی شغلی، بیشترین تعداد نمونه را کارشناسان به تعداد ۲۲۱ نفر و (۸۹/۱ درصد) تشکیل می‌دهند. مدیران نیز با فراوانی ۲۷ نفر (۱۰/۹ درصد) حجم نمونه آماری را شامل می‌شوند.

از نظر میزان فراوانی در سابقه کار، بیشترین فراوانی مربوط به کارکنان با سابقه کار بیش از ۱۵ سال و به تعداد ۱۷۴ نفر (۷۰/۱ درصد) است. همچنین کمترین فراوانی مربوط به کارکنان جوان و کم سابقه با سابقه کمتر از ۵ سال و به تعداد ۱۸ نفر (۷/۲ درصد) است.

از نظر نوع و شرایط استخدام افراد نمونه، بیشترین تعداد کارکنان ۱۶۱ نفر (۶۴/۹ درصد) استخدام رسمی‌اند. همچنین کمترین تعداد کارکنان (۹/۶ درصد) وضعیت استخدامی به صورت قراردادی دارند. از نظر فراوانی نوع رشته تحصیلی در بین افراد نمونه مورد مطالعه، تعداد ۳۵ نفر (۱۴/۱ درصد) دارای تحصیلات غیر تربیت بدنی و ۲۱۳ نفر (۸۵/۹ درصد) دارای تحصیلات تربیت بدنی‌اند.

برای ساخت پرسشنامه مورد نظر از تحلیل عاملی تأییدی و اکتشافی استفاده شد. از مجموع ۴۸ سؤال ۳۵ گویه دارای بار عاملی مناسب بودند و در تحقیق باقی ماندند. این ۳۵ گویه پرسشنامه ۳۵ سؤالی را

تشکیل دادند که از آن برای جمع‌آوری اطلاعات تحقیق استفاده شد. آزمون کفایت نمونه بارتلت (KMO) برای تعیین کافی بودن تعداد نمونه‌ها برای تحلیل عاملی به انجام رسید و از این حیث استفاده از تحلیل عاملی تأیید شد.

جدول ۱. آزمون بارتلت و شاخص KMO برای بررسی کفایت نمونه

شاخص کفایت نمونه‌برداری	۰/۹۱۳
شاخص بارتلت (BTS)	۱/۲۰۴۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰۱

نتایج آزمون بارتلت و شاخص (KMO) که برابر با (۰/۹۱۳) و به یک نزدیک است، نشان‌دهنده آن است که تعداد نمونه برای انجام تحلیل عاملی مناسب است (جدول ۱).

همچنین نتیجه بررسی اشتراک‌ها و عوامل اولیه و استخراجی نشان داد که سؤالات تحقیق دارای مقادیر اشتراک اولیه و اشتراک استخراجی مساوی با عدد (۱) هستند و از این نظر ۳۵ عامل موجود در تحقیق در تحلیل عاملی استفاده می‌شوند. نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی عوامل مؤثر در توسعه فرهنگ ورزش همگانی به شرح زیر است. میانگین رتبه‌ها بیانگر آن است که از مجموع عوامل شناسایی شده، عامل اصول و ساختار در رده اول قرار دارد. همچنین عامل عقاید و ارزش‌های دینی در بین عوامل مؤثر در توسعه فرهنگ ورزش همگانی در جایگاه آخر قرار دارد (جدول ۲).

جدول ۲. نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی عوامل در توسعه فرهنگ ورزش همگانی در ایران

میانگین رتبه	عوامل مؤثر در توسعه فرهنگ ورزش همگانی
۷/۴۵	اصول و ساختار
۶/۲۴	بعد آموزشی
۵/۹۷	سیاست‌های کلی نظام ورزش کشور
۵/۸۹	اقتصاد خانواده
۴/۵۱	ارزش‌های حمایتی
۳/۷۳	امکانات و زیرساخت‌ها
۲/۴۸	عقاید و ارزش‌های دینی

جدول ۳. تحلیل عاملی گویه‌های پرسشنامه شناسایی عوامل مؤثر در توسعه فرهنگ ورزش همگانی

عوامل مؤثر در توسعه فرهنگ ورزش همگانی	میانگین	انحراف	اولویت
استفاده از نخبگان در نظام ورزش کشور	۵/۵۳	۰/۵۴۱	۱

۲	۰/۵۷۳	۵/۴۱	اصلاحات اساسی در ساختار ورزش کشور
۳	۰/۵۷۸	۵/۱۸	توجه به ورزش همگانی به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی سیستم مدیریت کشور
۴	۰/۵۹۱	۴/۹۵	افزایش کارایی سیستم آموزشی در ورزش در سطح مدارس کشور
۵	۰/۶۱۱	۴/۸۲	استفاده از نخبگان و متخصصان به عنوان مدرسان ورزش در مدارس کشور
۶	۰/۶۷۳	۴/۷۱	توجه به ورزش سلامت‌محور به عنوان یکی از مزیت‌های رقابتی کشورهای توسعه یافته
۷	۰/۶۹۵	۴/۶۲	تصویب قوانین مدون در راستای اجباری شدن ورزش همگانی در تمامی سازمان‌های کشور
۸	۰/۷۱۲	۴/۵۷	ایجاد طرح‌های تشویقی برای توسعه ورزش همگانی در بین مردم در سراسر کشور
۹	۰/۸۴۴	۴/۴۵	توجه به قانون اساسی در راستای ایجاد خدمات ورزشی رایگان در سراسر کشور
۱۰	۰/۹۱۲	۴/۲۳	تخصیص اعتبار کافی برای افزایش سرانه ورزشی مردم ایران و کاهش هزینه‌های خدمات ورزشی
۱۱	۰/۸۳۲	۴/۰۱	توجه به آموزش قشر جوان و میانسال برای درک ضرورت ورزش و به کارگیری آن در خانواده
۱۲	۰/۷۸۱	۳/۹۵	عدم اعتقاد به ورزش به عنوان بهترین فعالیت فراغتی برای تمامی سنین، در بین والدین
۱۳	۰/۶۵۴	۳/۸۱	نبود سالن‌های ورزشی کافی، نسبت به جمعیت بالای کلان‌شهرها
۱۴	۰/۹۷۳	۳/۷۷	نبود سالن‌های ورزشی مناسب در مناطق روستایی
۱۵	۱/۰۷	۳/۶۲	نامناسب بودن تجهیزات بسیاری از سالن‌های ورزشی موجود در سطح کشور
۱۶	۱/۱۱	۳/۵۲	عدم توسعه زیرساخت‌های ورزش همگانی برای اقشار خاص مانند معلولان
۱۷	۱/۲۱	۳/۳۶	بی‌توجهی به تأمین زیرساخت‌های ورزشی مناسب برای بانوان برای حضور هرچه بیشتر در فعالیت‌های ورزشی
۱۸	۱/۱۷	۳/۱۲	فرهنگ سنتی شهرها و روستاها و عدم پذیرش فعالیت‌های ورزشی برای بانوان
۱۹	۰/۹۴۴	۲/۸۴	بی‌توجهی علما و مراجع دینی به اهمیت ورزش همگانی برای تشویق اقشار مردم به حضور در فعالیت‌های ورزش همگانی
۲۰	۱/۱۸	۲/۲۷	بی‌توجهی به بعد نشاط اجتماعی و تندرستی از ارزش‌های دینی

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس بار عاملی گویه‌های نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل در راستای توسعه فرهنگ ورزش همگانی در کشور، استفاده از نخبگان و متخصصان در نظام ورزش کشور خواهد بود. همچنین اصلاحات اساسی در ساختار ورزش کشور به عنوان دومین عامل مؤثر شناسایی شده است. بی‌توجهی به بعد نشاط اجتماعی و تندرستی از ارزش‌های دینی به عنوان آخرین مؤلفه شناسایی شده است (جدول ۳).

بحث و نتیجه‌گیری

آنچه اهمیت این پژوهش را نسبت به بسیاری از پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه ورزش آشکار می‌کند، کاهش فعالیت‌های ورزشی در بین اقشار گوناگون جامعه است که به عنوان زنگ خطر سال‌هاست به صدا درآمده است و بی‌توجهی به آن تبعات گسترده‌ای برای کشورمان به همراه خواهد داشت. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از نخبگان در نظام ورزش کشور و اصلاح ساختار ورزش کشور با بار

عاملی ۵/۵۳ و ۵/۴۱ به عنوان پایه و اساس توسعه فرهنگ ورزش همگانی در بین مردم مطرح است. همچنین در بحث رتبه بندی مجموع عوامل نتایج این پژوهش نشان داد که اصول و ساختار به عنوان اولین اولویت مطرح برای ایجاد تغییرات مثبت در توسعه فرهنگ ورزش همگانی مطرح است. توجه به این نکته ضروری است که برای توسعه فرهنگ ورزش همگانی در بین مردم باید به این عوامل به صورت فرایندی نگریست و نگاه یکجانبه و کوتاه مدت به این مسئله، درمانی قطعی برای وضع موجود نخواهد بود.

پژوهشگران بسیاری در تحقیقات خود بر اهمیت ورزش همگانی در بین انواع ورزش تأکید فراوانی داشته و ضرورت آن را با تحقیقات فراوان به اثبات رسانده اند (۲۰). اهمیت ورزش همگانی برای افزایش نشاط اجتماعی و سلامت عمومی بر کسی پوشیده نیست و در تحقیقات گوناگون ابعاد متفاوتی از راه های توسعه و موانع موجود برای توسعه ورزش همگانی در کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. آنچه در جدیدترین تحقیقات داخلی و خارجی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، آموزش صحیح و اصولی است (۲۱). بی شک آموزش صحیح در عرصه ورزش همگانی از راه های توسعه پایدار آن در بین نسل های متمادی مردم کشور است. برای ایجاد و نهادینه سازی یک فرهنگ، یکی از بهترین رویکردها، آموزش اقشار پایه برای اصلاح یک نسل است (۲۲). نسلی که خود آینده ساز کشورند و با مداومت بر آموزش اصولی در این نسل، می توان به تغییر نگرش کودکان امروز و پدران و مادران آینده امیدوار بود.

استفاده از تفکر نوین و خلاق در توسعه فرهنگ ورزش همگانی یکی از کلیدهای طلایی برای پیشبرد اهداف در این حوزه است. تفکر خلاق در گسترش فرهنگ ورزش همگانی در چارچوب پژوهش های دقیق و بهره گیری از الگوهای موفق جهانی امکان پذیر خواهد بود (۲۳). کشورهای توسعه یافته به میزان چشمگیری این مسئله را حل کرده اند. برای تغییر یک نگرش در بین اقشار گوناگون جامعه باید بهای سنگینی پرداخت. گسترش سلامت عمومی در جامعه اسلامی به حدی اهمیت دارد که باید برای دستیابی به آن این هزینه ها را با جان و دل تقبل کرد. تحقیقات انجام گرفته در سال های اخیر نیز بر اهمیت استفاده از رویکرد خلاقانه و نخبه گرایانه در این زمینه تأکید داشته است.

بدون بهره گیری از قوانین دقیق و مدون برای نهادینه کردن فرهنگ ورزش همگانی، توفیق چندانی نخواهیم داشت. زمانی می توانیم از تفکرات خلاق و مبتکرانه در راستای توسعه ورزش همگانی بهره بیشتری ببریم، که پشتوانه قانونی مناسبی برای آن وجود داشته باشد (۲۴). زمانی که در سیستم سازمانی کشورمان تنها شعار سلامت و تندرستی کارکنان و ورزش برای کارکنان را سر می دهیم، بدون مهیا کردن قوانین برای اجرای دقیق آن نمی توانیم به دستیابی به این مهم امیدوار باشیم. تحقیقات بسیاری در زمینه

فواید فعالیت‌های ورزشی در بهره‌وری و افزایش بازدهی کارکنان به انجام رسیده است. اما بستر مناسبی برای ایجاد قوانین و راهکارهای تنبیهی و تشویقی آن ایجاد نشده است. در این زمینه به نظر می‌رسد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، رویکرد سلامت‌محور و توسعه ورزش را به‌نحو بسیار بهتری به مرحله اجرا درآورده‌اند و در این زمینه موفقیت‌های بسیاری داشته‌اند که می‌تواند به‌عنوان الگوی مناسبی برای سایر سازمان به‌کار رود.

برای توسعه فرهنگ ورزش همگانی در بین اقشار مردم تنها آموزش به اقشار پایه برای تغییر یک نسل گره‌گشا خواهد بود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد نگرش والدین در حضور یا عدم حضور فرزندان در فعالیت‌های ورزشی بسیار تأثیرگذار است. والدین ورزشکار تمایل بیشتری برای حضور فرزندانشان در عرصه فعالیت‌های ورزشی دارند. این مسئله بیانگر اهمیت نگرش والدین به این مسئله است (۲۵). در کنار آموزش به اقشار پایه باید والدین نیز به اهمیت ورزش همگانی برای توسعه سلامت فرزندان، خود و سایر افراد جامعه پی ببرند و از این رهاورد نگاه مثبت به فعالیت‌های ورزشی داشته باشند تا به‌عنوان مانعی بر سر راه مشارکت فرزندان در فعالیت‌های ورزشی مطرح نباشند. تحقیقات بسیاری به اهمیت این موضوع پرداخته و نگرش والدین را عامل مؤثری در این حوزه برشمرده‌اند.

نبود زیرساخت‌های مناسب برای توسعه ورزش همگانی و تفریحی و در نهایت ورزش سلامت‌محور، حلقه مفقوده زنجیر توسعه فرهنگ ورزش همگانی است. این مسئله که تأمین زیرساخت‌ها در بین عوامل مؤثر در توسعه فرهنگ ورزش همگانی در چه رتبه‌ای قرار دارد، یک مسئله است، و اینکه وجود زیرساخت‌های مناسب را شرط کافی برای توسعه ورزش همگانی برشمیریم، مسئله دیگری است. با آموزش مناسب و مؤثر و بدون داشتن زیرساخت‌های مناسب به موفقیت دست نخواهیم یافت. در بسیاری از پژوهش‌های انجام گرفته به ضعف اماکن ورزشی موجود در حوزه ورزش همگانی اشاره شده است (۲۶). اماکن ورزشی که هم به لحاظ تعداد و هم از نظر استانداردسازی تجهیزات در جایگاه مطلوبی قرار ندارند و این بحران برای شهرهای دور از پایتخت و مناطق روستایی بیشتر به چشم می‌خورد و نیازمند عزم ملی و همه‌جانبه است.

تفکر دینی و اسلامی اصیل، همواره بر ایجاد جامعه‌ای سرشار از نشاط و تندرستی استوار بوده و آن را مقدمه‌ای بر تعالی روحی و معنوی جامعه اسلامی برشمرده است. متأسفانه در این روزها در اثر کم‌توجهی و جابه‌جایی اولویت‌ها، در کشور عزیزمان ایران که نمونه بارز جامعه اسلامی است، این مسئله بسیار کم‌رنگ شده و نیازمند آن است که علما و مراجع دینی علاوه بر اهتمام به مسائل دینی و معنوی، ورزش و تندرستی

جامعه اسلامی را نیز به عنوان یک مبلغ در اولویت آموزش‌های خود قرار دهند. توسعه فرهنگ ورزش همگانی، در جامعه امروزی ایران، نیازمند عزم و توجه همه جانبه است. زیان‌های ناشی از آن متوجه قشر یا گروه خاص نیست، بنابراین به پوشش سراسری نیاز دارد؛ پوششی که در راستای آن از حرف تا عمل راه بسیاری است؛ راهی که با برداشتن موانع یادشده در این پژوهش می‌توان روزبه‌روز در دستیابی به آن نتایج موفق‌تر بود.

منابع و مآخذ

1. Aefi, Ahmad Ali Khabiri, Mohammad Asadi Dastjerdi, Hassan. Goodarzi, Mahmoud. Investigating the Organizational Factors Influencing the Institutionalization of Public Exercise in Iran. *Journal of Sport Management and Motor Behavior*, 2014; (20): 63-76. (In Persian).
2. Aghajani, Noushin Naderi Nejad, Parchuk. the study of the role of mass media (publications, radio and television) in the dissemination of public sport culture. *Journal of Culture and Communication*, 2012; 1 (1): 166-185. (In Persian).
3. Ehsani, Mohammad Safari, Coral Amiri, Mojtaba Keshchian, Hashem. Designing a universal sport model of Iran. *Journal of Sport Management Studies*, 2014; 27 (6): 87-108. (In Persian).
4. Javadipour, Mohammad Qawidl Sarkandi, Goodbye. Samiyanna, Mona. Provide a theoretical framework and model design for the development of universal sport in Iran. *Journal of Sport Management Studies*, 2013; 21 (5): 127-148. (In Persian).
5. Ramezani Nejad, Rahim. Rahmani Nia, Farhad, Taghavi, Seyyed Amir. Investigating the motivations of participants in outdoor sports in open spaces. *Sports Management Journal*, 2010; (2): 5-19. (In Persian).
6. Savari, Saeed. Mahdipour, Abdolrahman Rabbir, Spirit. Description of the general sport situation in Khuzestan province and development of its development strategies. *Journal of Sport Management and Motor Behavior*, 2015; (21): 83-92. (In Persian).
7. Shabani, Abbas Ghafouri, Farzad Henry, Habib. Study of the policies and strategies of the general sport of the comprehensive system of sports development in the country. *Journal of Sport Management Studies*, 2014; 27 (6): 15-30. (In Persian).
8. Shahbazi, Mehdi. Sha'bani Moghaddam, Keyvan. Safari, Coral. Universal sport (necessity, obstacles and solutions). *Majles and Strategy Quarterly*, 2013; 76 (20): 69-97. (In Persian).
9. Sadeghian, Zahra Hosseini, Seyyed Emad. Farzan Farzam. Investigating the role of mass media in the popularity of the people of Hamedan to public sport. *Journal of Sport Management and Motor Behavior*, 2013; (20): 35-44. (In Persian).
10. Adelkhani, Amin. Vaez Mousavi, Seyed Mohammad Kazem. Farahani, Abolfazl. Cultural Capital of Participants in Public Sport (Policy Making and Strategies). *Majles and Strategic Quarterly*, 2012; 169 (19): 5-32. (In Persian).

11. Iraqi Mohsen Kashf, Mirmohammad. Challenges for the development of universal sport in Iran and its strategies. *Sports Management Journal*, 2014; (23): 643-655. (In Persian).
12. Qasemi Siani, Mojtaba. Razavi, Mohammad Hussein. Friendship, Morteza. The role of mass media in people's tendency toward universal sport with an emphasis on physical fitness (Case study: Babolsar), *Journal of Applied Research in Sport Management*, 2015; (13): 71-80. (In Persian).
13. Keshkar, Sarah. Determining the Indicators and Measurement of the Effectiveness of the Programs of Sports Recreation (Public Exercise) of Citizens. *Journal of Sport Management and Motor Behavior*, 2015; (22): 113-132. (In Persian).
14. Mahdi Zadeh Rahimi. Andam, reza. Strategies for the development of universal sport in Iranian universities. *Journal of Sport Management Studies*, 2014; 22 (6): 15-38. (In Persian).
15. Minavand, Mohammad Gholli. Bagheri, Saeed. Ghasemi, Hamid. Methods of Institutionalizing Public Exercise Through National Media from the Experts' Point of View (Case Study: Sima Sports Network). *Quarterly journal of communicative research*, 2015; 81 (21): 9-20. (In Persian).
16. Carlson, L. A. and L. E. Bittiger. "sport for all and leisure time." *Acta Medica Scandinavica*, 1979; 206(124): 351-360.
17. Cruickshank, A., D. Collins. "Driving and sustaining culture change in olympic sport performance teams: a first exploration and grounded theory." *Journal of sport & exercise psychology*, 2014; 36(1): 107-120.
18. Cuntuzzi, G., E. Righi, et al. "A Case-Control Study on Leisure Time Physical Activity (LTPA) during the Last Three Months of Pregnancy and Foetal Outcomes in Italy." *Health*, 2016; 8(02): 133-145.
19. Connell, J. "Sport, leisure and culture in the postmodern city." *Australian Geographer*, 2014; 45(1): 97-99.
20. Dressler, W. W., M. C. Balieiro. "Finding Culture Change in the Second Factor Stability and Change in Cultural Consensus and Residual Agreement." *Field Methods*, 2015; 27(1): 22-38.
21. Fujiwara, D., L. Kudrna. "Quantifying and valuing the wellbeing impacts of culture and sport." Retrieved August, 2014; 23.
22. Gallant, D., E. Sherry, et al. "Recreation or rehabilitation? Managing sport for development programs with prison populations." *Sport management review*, 2015; 18(1): 45-56.
23. Kimmelmeier, M. and U. Kohnen. "Culture as process: The dynamics of cultural stability and change." *Social Psychology*, 2015; 2(3): 171-184.
24. McCue, H. and G. Krayem. *Sharia and Muslim Women's Agency in a Multicultural Context: Recent Changes in Sports Culture. The Sociology of Sharia: Case Studies from around the World*, Springer, 2015; 103-118.
25. McGannon, K. R. and R. J. Schinke. "Situating the subculture of sport, physical activity and critical approaches." *The psychology of sub-culture in sport and physical activity: Critical perspectives*, 2014; 3-15.

26. Sotiriadou, P., L. Gowthorp. "Elite sport culture and policy interrelationships: the case of Sprint Canoe in Australia." *Leisure Studies*, 2014; 33(6): 598-617.

